



The Impact of Religious Affiliation on Reducing Divorce Acceptance in the Age of Secularism

Milad Bagi¹  

1. Assistant Professor of Demography, Department of Social Sciences, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. Email: m.bagi@basu.ac.ir

Article Info

Article type:

Review Article

Article history:

Received: 17

October 2024

Accepted: 1

February 2025

Keywords:

Religion, Divorce,

Attitudes Toward

Divorce, Religious

Beliefs, Secularism.



ABSTRACT

With the emergence of secularism and the transformation of social values, attitudes toward divorce are changing. Therefore, investigating the perspectives of religious followers regarding these changes is essential for understanding the future dynamics of family structures and the role of religion in contemporary society. This study aimed to examine the impact of religious affiliation and beliefs on attitudes toward divorce and its acceptance. Using data from the World Values Survey, information from 72,000 individuals across 60 countries was analyzed. The findings revealed that Muslims exhibited the highest importance of religion in life and participation in religious ceremonies, while non-religious individuals showed the lowest levels. Non-religious individuals had the highest acceptance of divorce. Among followers of different religions, Jews demonstrated the highest acceptance scores, while Muslims had the lowest. Multivariate analysis indicated that even after controlling for individual, religious, and cultural characteristics, religion still had a significant impact on attitudes toward divorce. Overall, positive attitudes toward divorce and its acceptance were higher among non-religious individuals, secularists, post-materialists, libertarians, those with low religious participation, men, rural residents, and those with secondary or university education. These findings emphasize that despite the spread of secularism, religion remains a powerful and influential force shaping attitudes and plays a key role in family structures. The results can contribute to raising awareness about the impact of secular and religious factors on Iranian family structures. Therefore, policymakers should design programs to strengthen family cohesion and reduce divorce acceptance among various groups.

Cite this article: Bagi, M. (2024). The Impact of Religious Affiliation on Reducing Divorce Acceptance in the Age of Secularism. *Islamic Social Studies*, 30 (130) , 5_34.

<https://doi.org/10.30513/iss.2025.6446.1375>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



تأثیر وابستگی دینی بر کاهش پذیرش طلاق در عصر سکولاریسم

میلاد بگی^۱

۱. استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: m.bagi@basu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ کلیدواژه‌ها: دین، طلاق، نگرش نسبت به طلاق، باورهای مذهبی، سکولاریسم. 	با ظهور سکولاریسم و تغییر ارزش‌های اجتماعی، نگرش نسبت به طلاق در حال تغییر است. لذا تحقیق در مورد نگرش پیروان ادیان در مورد این تغییرات برای درک پویایی‌های آینده ساختار خانواده و نقش دین در جامعه معاصر ضروری است. مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر وابستگی دینی و باورهای مذهبی بر نگرش نسبت به طلاق و پذیرش آن انجام شد. با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی، اطلاعات ۷۲۰۰۰ نفر در ۶۰ کشور جهان تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد بیشترین و کمترین میزان اهمیت دین در زندگی و مشارکت در مراسم مذهبی به ترتیب در بین مسلمانان و افراد بی‌دین بود. افراد بی‌دین بالاترین میزان پذیرش طلاق را داشتند. در بین پیروان ادیان مختلف، یهودی‌ها بالاترین و مسلمانان پایین‌ترین نمره پذیرش را به خود اختصاص داده‌اند. تحلیل چندمتغیره نشان داد که حتی با کنترل ویژگی‌های فردی، مذهبی و فرهنگی، دین همچنان تأثیر معناداری بر نگرش نسبت به طلاق دارد. در کل نگرش مثبت به طلاق و پذیرش آن در بین افراد بی‌دین، غیرمذهبی، پسامادی‌گرا، اختیارگرا، سکولار، با مشارکت پایین مذهبی، مرد، روستایی و دارای تحصیلات متوسطه و دانشگاهی بالاتر است. این یافته‌ها تأکید می‌کند که با وجود گسترش سکولاریسم، دین همچنان نیروی قدرتمند و تأثیرگذاری بر نگرش‌ها است و نقشی کلیدی در ساختارهای خانواده دارد. نتایج می‌تواند به گسترش آگاهی درباره تأثیر عوامل سکولار و مذهبی بر ساختار خانواده ایرانی کمک کند. لذا، سیاست‌گذاران در کشور بایستی برنامه‌هایی برای تقویت انسجام خانواده‌ها و کاهش پذیرش طلاق در میان گروه‌های مختلف طراحی کنند.

استناد: بگی، میلاد. (۱۴۰۳). تأثیر وابستگی دینی بر کاهش پذیرش طلاق در عصر سکولاریسم. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۳۰ (۱۳۰)، ۳۴-۵. <https://doi.org/10.30513/iss.2025.6446.1375>



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

از آنجا که دین به شدت با طیف گسترده‌ای از ارزش‌ها و هنجارها مرتبط است، رابطه بین دین و زندگی خانوادگی، از موضوعاتی است که به طور گسترده در علوم اجتماعی بحث شده است. در دنیای امروزی که نهاد خانواده پیوسته در حال تغییر و تحول است، نقش دین در شکل‌دهی نگرش نسبت به طلاق همچنان موضوعی مهم و بحث‌برانگیز است.

در گذشته، زندگی مشترک افراد طولانی‌تر بود و طلاق به ندرت اتفاق می‌افتاد. امروزه با گذشت زمان و بروز مشکلات متعدد، میزان طلاق در جوامع افزایش یافته است، به طوری که فروپاشی پیوندهای زناشویی از برجسته‌ترین تحولات خانواده امروزی است. لستهاق (۲۰۱۰) در بیان نشانه‌های گذار دوم جمعیت‌شناختی که به آن گذار خانواده نیز گفته می‌شود از افزایش طلاق به عنوان یکی از مظاهر مهم آن یاد می‌کند. می‌توان گفت که با ظهور سکولاریسم و تغییر ارزش‌های اجتماعی، آمارهای طلاق در همه نقاط جهان رو به افزایش گذاشته است.

اولین افزایش قابل توجه در میزان‌های طلاق در اوایل قرن بیستم، به‌ویژه در کشورهای اروپای غربی رخ داد. با این حال، روندهای افزایشی مداوم در میزان‌های طلاق در دوران پس از جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست. این امر در اثر تغییرات در هنجارهای اجتماعی پس از جنگ بود (استیونسون و ولفر، ۲۰۰۷). داده‌های سازمان ملل (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۷۰ نسبت بزرگسالان ۳۹-۳۵ ساله که طلاق گرفته‌اند، دو برابر شده (از ۲ به ۴ درصد) است. اروپای غربی و آمریکای شمالی از دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ افزایش قابل توجهی را در میزان‌های طلاق تجربه کردند. در ایالات متحده طی دوره مورد نظر میزان خام طلاق از ۲/۲ به بیش از ۵ در ۱۰۰۰ افزایش یافت. این افزایش در بریتانیا و نروژ سه برابر بود. در سایر مناطق جهان همچون آسیا و آفریقا، افزایش میزان‌های طلاق از دهه آخر قرن بیستم شروع شد. کره جنوبی یکی از اولین کشورهایی بود که افزایش سه برابری را (از ۱/۱ به ۳/۴ در هزار) در میزان خام طلاق طی دوره ۲۰۰۳-۱۹۹۰ تجربه کرد.^۱

افزایش میزان‌های طلاق با کاهش قبح اجتماعی آن در دستگاه ذهنی و فکری افراد

1. <https://ourworldindata.org/marriages-and-divorces>

مرتبط است زیرا رفتار افراد در زندگی فردی و نظام اجتماعی بر نگرش‌های آن‌ها مبتنی است. لذا بر مبنای تغییر در نگرش افراد می‌توان رفتار آن‌ها را تا حد زیادی پیش‌بینی کرد. نگرش مثبت به طلاق می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در وقوع طلاق داشته باشد. در طرف مقابل، نگرش منفی به طلاق به ایجاد هنجارهای اجتماعی پشتیبان خانواده کمک می‌کند و احتمال بروز طلاق را کاهش می‌دهد (بگی و حسینی ۱۴۰۰، ص ۲۸). افراد دارای دیدگاه‌های مثبت در مورد طلاق تمایل کمتری به تحمل ازدواج‌های نامطلوب داشته داشته و در عوض جدایی را به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به رفاه شخصی انتخاب می‌کنند (موهاتی ۲۰۲۳، ص ۱).

از طرفی نگرش افراد تحت تأثیر عوامل متنوع و گوناگونی قرار دارد. رسانه‌ها، باورهای شخصی، اجتماع، دین و باورهای مذهبی و... همگی از عوامل مؤثر بر نگرش افراد هستند. به‌ویژه در جوامعی که قوانین بر اساس دین نوشته شده و رفتارهای افراد توسط نهادهای مذهبی کنترل و نظارت می‌شود، باورهای مذهبی می‌تواند عامل مهمی در شکل‌گیری نگرش افراد باشد. اگرچه امروزه با ظهور سکولاریسم، نقش دین در بسیاری از جوامع کمرنگ شده است. در واقع یکی از ویژگی‌های دنیای معاصر کمرنگ شدن دین در زندگی افراد است به طوری که دنیای معاصر را «عصر سکولار»^۱ (تیلور، ۲۰۰۸) یا «عصر سکولار فراتر از غرب»^۲ (کانکلر و شانکار، ۲۰۱۷) تعریف می‌کنند. با این حال، هنوز هم آموزه‌های دینی نقش مهمی در شکل دادن به نگرش و دیدگاه افراد و جوامع ایفا می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد که میزان خام طلاق در کشورهای با اکثریت مسلمان و بودایی کمتر و در کشورهای با اکثریت مسیحی ارتدوکس و پروتستان بالاتر است (مرور جمعیت جهان، ۲۰۲۴، ۳). همچنین جهت‌گیری دینی با نگرش‌های مثبت ارتباط دارد و باعث ارتقاء مدارا و پذیرش در میان پیروان یک دین خاص در رابطه با موضوعات مختلف خواهد شد (حسین‌خانزاده و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۷۶۱). باورهای مذهبی همچنین می‌توانند نگرش‌های منفی، به‌ویژه نسبت به دیدگاه‌های برون‌گروهی یا غیرمذهبی را تقویت کنند

-
1. Secular Age
 2. Secular Age beyond the West
 3. World Population Review

(اندلیکاتو و مارتین ۲۰۲۳، ص ۳). علاوه بر این، دین و باورهای مذهبی عمیقاً نگرش‌ها نسبت به خانواده و طلاق را تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را شکل می‌دهد؛ به این صورت که غالباً قداست و دوام ازدواج را ترویج می‌کنند.

آموزه‌های مذهبی معمولاً بر اهمیت ثبات زناشویی تأکید کرده و طلاق را به‌عنوان آخرین راه‌حل معرفی می‌کنند. افرادی که دارای اعتقادات مذهبی قوی هستند، بیش از دیگران به ازدواج به‌عنوان یک تعهد دائمی نگاه می‌کنند و کمتر از دیگران طلاق را به‌عنوان یک راه‌حل در نظر می‌گیرند (تورنتون، ۱۹۸۵). تقریباً در تمامی ادیان، طلاق به‌عنوان یک آنگ در نظر گرفته می‌شود و رضایت از زندگی و کاهش طلاق در زوجین پایمند به آموزه‌های مذهبی بیشتر است (جهانگیری و کرد، ۱۴۰۱، اخلاسی و همکاران، ۱۳۹۷). علاوه بر این، در جوامع مذهبی معمولاً شبکه‌های حمایت اجتماعی شکل می‌گیرد که می‌توانند ثبات زناشویی را تقویت کنند و در مواقع تعارضات زناشویی میانجی‌گری کنند و در نتیجه احتمال طلاق را کاهش دهند (کولاردیو و ارنبرگ، ۲۰۱۶).

بر این اساس، مطالعه حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه وابستگی دینی و تعلق داشتن به یک دین خاص بر نگرش افراد نسبت به طلاق تأثیر می‌گذارد. مطالعه حاضر یک رویکرد جهانی دارد و اطلاعات پیروان ادیان مختلف در ۶۰ کشور جهان را تجزیه و تحلیل می‌کند. این مطالعه با توجه به شکاف موجود در ادبیات مربوطه، ضروری است. مطالعات موجود اغلب بر مناطق کوچک یا ادیان خاص متمرکز شده‌اند و این امر درک چگونگی تأثیر باورهای دینی مختلف بر نگرش نسبت به طلاق و مقایسه آن در نقاط مختلف جهان را محدود می‌کند. از طرفی بیشتر مطالعات بر موضوع دینداری و تأثیر آن بر رفتارهای مرتبط با خانواده متمرکز شده‌اند. مطالعه حاضر با رویکرد جهانی، می‌تواند دید جامع‌تری در مورد چگونگی تأثیر ادیان مختلف بر شکل‌گیری دیدگاه‌های افراد در مورد طلاق در زمینه‌های فرهنگی مختلف ارائه دهد. درک تأثیر دین بر نگرش نسبت به طلاق می‌تواند برای سیاست‌گذاران و مشاوران خانواده نیز بسیار مفید باشد و آنان را در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی آگاه ساخته و یاری رساند. از همه مهم‌تر آنکه، بایستی توجه کرد با تسریع فرایند جهانی‌شدن، سکولاریزه شدن و مدرن شدن جوامع، نگرش نسبت به ازدواج و طلاق در حال تغییر است و تحقیق در مورد چگونگی انطباق یا

مخالفت ادیان در برابر این تغییرات برای درک پویایی‌های آینده ساختار خانواده و نقش دین در جامعه معاصر بسیار مهم است.

۱. طلاق در نگاه ادیان

تقریباً ۸۲ درصد از مردم جهان خود را متعلق به یک دین می‌دانند (سروکوفسکی و همکاران، ۲۰۱۹). بر اساس نتایج یک نظرسنجی که در ۲۰۳ کشور جهان انجام شده است، از هر ۱۰ نفر، هشت نفر آن‌ها خود را متعلق به یک دین یا فرقه مذهبی می‌دانند. اکثریت غالب جهان پیرو پنج دین مسیحیت (۳۲٪)، اسلام (۲۳٪)، هندو (۱۵٪)، بودا (۷٪) و یهودیت (۲٪) هستند. علاوه بر این، بیش از ۴۰۰ میلیون نفر (۶ درصد) به مذاهب قومی یا سنتی مختلف از جمله ادیان سنتی آفریقایی، ادیان بومی چینی، ادیان بومیان آمریکا و ادیان بومی استرالیا پایبند هستند. همچنین تخمین زده می‌شود که ۵۸ میلیون نفر (کمتر از ۱ درصد از جمعیت جهان) به ادیان دیگر، از جمله بهائیت، جینیسم، سیکسزم، شینتوئیسم، تائوئیسم، تریکیو، ویکا و زرتشت تعلق داشته باشند (مرکز تحقیقات پیو، ۲۰۱۲). نکته مهم اینکه در همین زمان تقریباً از هر شش نفر در جهان، یک نفر (۱/۱ میلیارد یا ۱۶ درصد) به هیچ دین یا مذهبی تعلق ندارند. به این ترتیب افراد بی‌دین پس از پیروان مسیحیت و اسلام، سومین گروه بزرگ در سراسر جهان هستند (ایسپا، ۱۳۹۷).

بر این اساس و با توجه به آمارهای ارائه شده، بررسی ما به پنج دین دارای اکثریت در جهان متمرکز می‌شود. در این بین معمولاً ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت به‌عنوان ادیان الهی و هندو و بودا به‌عنوان ادیان غیرالهی شناخته می‌شوند. تقریباً همه ادیان الهی و غیرالهی طلاق را مورد مذمت قرار داده‌اند. در اسلام ازدواج امری مقدس در نظر گرفته می‌شود و طلاق ناپسند و مورد مذمت قرار می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۳). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «ما أخلَّ الله شيئاً أبغضَ إليه من الطَّلَاقِ» به این معنی که خداوند چیزی را که نزد او منفورتر از طلاق باشد، حلال نکرده است (متقی هندی، ۱۳۶۴، ج ۲۷۸۷). همچنین امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «ما من شيءٍ مما أخلَّه الله عزَّ وجلَّ أبغضَ إليه من الطَّلَاقِ...» به این معنی که «هیچ چیز از آنچه خداوند حلال کرده، نزد او منفورتر از طلاق نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۴). با این حال، طلاق در اسلام در وقت ضرورت

مشروع است (ربی‌پور، ۱۳۸۶). در قرآن، آیات متعددی در سوره‌های بقره، نساء، احزاب، تحریم و طلاق به آن اختصاص یافته است (برخورداری ۱۴۰۰). در آیات ۲۳۲-۲۹۹ سوره مبارکه بقره به طلاق و شرایط آن اشاره شده است که نشان می‌دهد طلاق تحت شرایط خاصی مجاز است، اگرچه به‌عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته شود. همچنین قرآن در سوره طلاق (آیات ۷-۱) بر رفتار عادلانه در حین طلاق و پس از آن، از جمله حمایت مالی از زوجه در عده و حصول اطمینان از استیفای حقوق او تأکید می‌کند.

در مسیحیت نیز ازدواج یک پیمان مقدس و دائمی تلقی می‌شود و پیوند زناشویی تنها زمانی قابل گسست است که زن مرتکب زنا شده باشد (ربی‌پور، ۱۳۸۶). کتاب مقدس مسیحیان، طلاق تنها در شرایط خاص مجاز می‌داند. برای مثال در انجیل متی^۱ (۱۹: ۳-۹) و انجیل مرقس^۲ (۱۰: ۲-۱۲) آمده است که «و من به شما می‌گویم: هر کس همسر خود را بدون عذر طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند، مرتکب زنا شده است». البته پولس رسول^۳ (قرنتیان ۷: ۱۰-۱۶) به زوج‌های متأهل توصیه می‌کند که در کنار هم بمانند، اما اذعان دارد که در برخی موارد طلاق اجتناب‌ناپذیر است (برایانت، ۲۰۰۶). البته شاخه‌های مختلف مسیحیت در رابطه با طلاق دیدگاه‌های تاحدودی متفاوت دارند. کلیسای کاتولیک روم ازدواج را یک امر مقدس و غیر قابل ابطال می‌داند. طلاق به رسمیت شناخته نمی‌شود و ازدواج مجدد در حالی که همسر سابق هنوز زنده باشد، زنا محسوب می‌شود. با این حال، کلیسا اجازه ابطال ازدواج را می‌دهد. کلیسای ارتدوکس شرقی دیدگاه ملایم‌تری در مورد طلاق دارد. به طوری که طلاق و ازدواج مجدد را در شرایط خاصی مانند زنا، ترک همسر، یا سوء استفاده مجاز می‌داند. دیدگاه کلیسای پروتستان در مورد طلاق بسیار متفاوت است و بیشتر فرقه‌های آن طلاق و ازدواج مجدد را در موارد مختلف مجاز می‌دانند (مفتاح و عبداللهی، ۱۳۹۶).

در یهودیت، طلاق مجاز است، اما به‌عنوان عملی مطلوب در نظر گرفته نمی‌شود.

-
1. Matthew
 2. Mark
 3. Apostle Paul
 4. Corinthians

طبق قوانین یهود، تا زمانی که طلاق‌نامه (گِت^۱) صادر نشده است، ازدواج پایان نمی‌یابد. گِت باید آزادانه توسط شوهر به زن داده شود. از نظر قوانین یهود بدون گِت، زوجین متأهل باقی می‌مانند حتی اگر به لحاظ مدنی طلاق گرفته باشند (کولاج، ۱۹۸۹). صدور گِت چیزی بیش از یک تشریفات قانونی است و آیینی است که نماد پایان رابطه زناشویی و آغاز فصلی جدید برای هر دو طرف است (سیمونز، ۲۰۲۴). دیدگاه هلاخا^۲ (مجموعه قوانین شریعت یهود) دلایل خاصی را برای طلاق مشخص می‌کند که شامل مسائل مهمی مانند زنا، غفلت و سوء استفاده می‌شود. با این حال، این فرایند به گونه‌ای طراحی شده است که اطمینان حاصل شود که تمام راه‌های ممکن برای آشتی قبل از اتخاذ تصمیم نهایی بررسی شده است (ویس، ۲۰۲۴). در یهودیت ارتدوکس، در طلاق بدون گِت، زن یک زن آگونا^۳ یا زنجیر شده در نظر گرفته می‌شود، که امکان ازدواج مجدد را ندارد. از سوی دیگر، یهودیت اصلاح طلب طلاق مدنی را کافی می‌داند، اگرچه به دلایل مذهبی و فرهنگی هنوز گرفتن گِت توصیه می‌شود.

برای بودائیان سوگند (مذهبی یا غیرمذهبی) موضوعی مهمی است و از آنجا که ازدواج متضمن پذیرش تعهداتی متقابل است، بایستی از منقطع شدن آن جلوگیری شود. هیچ حکمی در آیین بودا وجود ندارد که طلاق را ممنوع کرده باشد (جعفری، ۱۳۹۲). در بودیسم ازدواج یک قرارداد سکولار و اجتماعی است نه یک تعهد مذهبی. در نتیجه، طلاق به عنوان یک مشکل اخلاقی یا سرپیچی از دستورات دینی تلقی نمی‌شود. طلاق در آیین بودا مجاز است زیرا معتقدند وقتی ازدواج نمی‌تواند به صورت نرمال و سالم ادامه یابد، بهتر است به اتمام برسد. هرچند این اعتقاد وجود دارد که عمل به اخلاق و پیروی از توصیه‌های بودا می‌تواند به جلوگیری از طلاق کمک کند (آنسون، ۲۰۲۴). در آیین بودا نیز طلاق در مواردی همچون دروغ، رابطه جنسی نامشروع و ناسازگاری بین زوجین که منجر به عذاب طرفین شود، پذیرفتنی است (جعفری، ۱۳۹۲).

طلاق در هندوئیسم در طول زمان تکامل یافته است. این مفهوم در سنت‌های باستانی

1. Get

2. Halakhic

3. agunah

وجود نداشت، اما امروزه به یک فرایند قانونی رسمی تبدیل شده است. در جامعه سنتی هندو، ازدواج به عنوان یک مراسم مقدس و یک پیوند ناگسستنی برای همه عمر در نظر گرفته می شد. پرابهو^۱ بیان می کند که «معمولاً، طلاق در آیین هندو مرسوم نیست. زن و شوهر نه تنها تا زمان مرگ، بلکه حتی پس از مرگ، در جهان دیگر به یکدیگر وابسته هستند» (پرابهو، ۱۹۶۳، ص ۲۲۶). این تفکر یکی از دلایل اصلی ساتی^۲ (خودسوزی زنان در مراسم مرگ شوهرانشان) بوده است (پوتن، ۱۹۸۹، ص ۳۷۸). تدوین و اجرای قانون ازدواج هندوها در سال ۱۹۵۵ یک تغییر اساسی بود که به مردان و زنان حق قانونی برای درخواست طلاق تحت شرایط مشخصی مانند خشونت، ترک همسر و زنا را ارائه می کرد (پارلمان هند، ۱۹۵۵). این قانون از این جهت مهم بود که شرایط برابری برای هر دو جنس فراهم می کرد در حالی که در سنت قبلی زنان نادیده گرفته می شدند. پوتن (۱۹۸۹) بیان می کند که اگرچه پذیرش طلاق در جامعه هندو با پذیرشی تدریجی روبرو بوده است اما در اجتماعات و مناطق محافظه کارتر هنوز یک آنگ محسوب می شود. به طوری که علیرغم مقررات قانونی وضع شده، در بسیاری از بخش های جامعه هندو به دلیل تأکید شدید فرهنگی بر تقدس و ماندگاری ازدواج، طلاق نسبتاً غیرمعمول است (منسکی، ۲۰۰۹). به طور کلی می توان گفت که دیدگاه های ادیان درباره طلاق، طیف متنوعی از نگرش ها را منعکس می کند. از دلسردی شدیدی که در هندوئیسم سنتی و مسیحیت کاتولیک دیده می شود تا رویکردهای انعطاف پذیرتر و وابسته به بافت فرهنگی جامعه در بودیسم و اسلام. این تفاوت ها سبب می شود تا انتظار داشته باشیم نگرش نسبت به طلاق در بین پیروان ادیان مختلف تا حد زیادی متفاوت باشد.

۲. چارچوب نظری

ایده نظری اصلی تحقیق حاضر بر مبنای نظریه سکولاریزاسیون^۳ و تأثیر آن بر نگرش های اجتماعی و خانوادگی قرار دارد. سکولاریزاسیون به فرایندی اطلاق می شود که از طریق آن نهادها، اعمال و باورهای دینی اهمیت اجتماعی خود را از دست می دهند. این

1. Prabhu

2. Sati

3. Secularization

دگرگونی تأثیر عمیقی بر جنبه‌های مختلف زندگی دارد و نگرش‌های فردی و ساختارهای اجتماعی را تغییر می‌دهد. اینگلهارت و ولزل (۲۰۰۵) معتقدند که با افزایش مدرنیته، ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی، به‌ویژه آنهایی که ریشه در دین دارند، به تدریج کاهش می‌یابد و ارزش‌های فردگرایانه و پسمادی‌گرا جایگزین می‌شوند. ماکس وبر سکولاریزاسیون را به‌عنوان پاسخی انتقادی به عقلانی شدن جامعه می‌داند که منجر به کاهش اقتدار نهادهای مذهبی و ظهور ارزش‌های سکولار مدرن شد (فلات، ۲۰۲۳). در واقع در جریان مدرنیزاسیون نقش دین در جامعه کم‌رنگ خواهد شد. با این حال آیزنشتات با اشاره به مفهوم مدرنیته‌های چندگانه اشاره می‌کند که جوامع مختلف مسیرهای مختص به خود را به سوی مدرنیته طی می‌کنند و در همان حال عناصر دینی را حفظ یا دوباره اختراع خواهند کرد (دیوی، ۲۰۲۳). بر اساس این دیدگاه، سکولاریزاسیون در سراسر جهان به صورت یکسان رخ نخواهد داد زیرا تعامل بین مدرنیته و مذهب نتایج متنوعی را بسته به بافت فرهنگی جوامع در پی خواهد داشت.

یکی از سازوکارهای اولیه سکولاریزاسیون در سطح کلان، جدایی دولت از دین یا نهادهای مذهبی است. سکولاریزاسیون منجر به حذف آموزه‌های دینی از مدارس دولتی شده و آموزش رسمی جایگزین تدریس دینی می‌شود. همچنین نظام‌های حقوقی به سمت چارچوب‌های قانونی سکولارتر تغییر خواهند کرد این امر سبب می‌شود تا جوامعی که تأکید بیشتری روی آموزه‌های مذهبی دارند و در قانون‌گذاری این آموزه‌ها را لحاظ می‌کنند، موانع بیشتری برای طلاق در نظر بگیرند. اینکه کدام جوامع به سمت سکولاریزه شدن پیش می‌روند، با میزان و سطح نوسازی آن جامعه در ارتباط است. شهرنشینی و صنعتی‌شدن نیز نقش مهمی در سکولاریزاسیون دارند. با گذار جوامع از ساختارهای کشاورزی به ساختارهای صنعتی، پیوندهای جمعی سنتی تضعیف می‌شود و نفوذ اقتدار مذهبی کاهش می‌یابد (مونیز، ۲۰۲۳). در نهایت این دگرگونی‌ها با ظهور نهادهای سکولار همراه خواهد شد.

سکولاریزاسیون صرفاً یک تغییر نهادی نیست بلکه با تغییر در آگاهی فردی نیز همراه است. در سطح فردی، سکولاریزاسیون از طریق تغییر در باورها و اعمال شخصی آشکار می‌شود. افراد تغییراتی را در ارزش‌های خود از تعلقات مذهبی به سمت فردگرایی تجربه

خواهند کرد (نش، ۲۰۱۳). مردم به طور فزاینده‌ای عقل‌گرایی را ترجیح می‌دهند و به جای تبیین‌های فراطبیعی بر استدلال منطقی و شواهد تجربی تکیه می‌کنند. این تغییرات در کاهش تعداد افرادی که به طور منظم در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند یا به شدت به آموزه‌های دینی پایبند هستند، منعکس می‌شود.

در مجموع، می‌توان گفت که نوسازی و سکولاریزاسیون با تأثیر بر ساختارهای اجتماعی، نهادهای آموزشی و قانونی، و همچنین باورها و ارزش‌های فردی، به تغییر نگرش‌ها نسبت به طلاق کمک کرده و این پدیده را در بسیاری از جوامع به امری پذیرفته‌شده‌تر تبدیل کرده‌اند. بر این اساس فرضیه اصلی تحقیق این است که وابستگی دینی و آموزه‌های مذهبی بر نگرش نسبت به طلاق تأثیرگذار هستند اما ویژگی‌های مرتبط با سکولاریزاسیون می‌تواند این رابطه را تعدیل کند.

۳. روش‌شناسی

مطالعه حاضر از نوع تحلیل ثانویه است. داده‌های تحقیق از موج هفتم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های جهانی^۱ گرفته شده است. این موج بین سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۱۷ انجام شد که ۶۶ کشور مختلف در آن مشارکت داشتند. در مجموع اطلاعات ۷۲۰۶۸ نفر در این کشورها در رابطه با ارزش‌ها و نگرش‌های مختلف پرسیده شد. جامعه آماری شامل افراد ۱۸ ساله و بالاتر می‌باشد. نمونه‌ها در تمامی کشورها به روش تصادفی انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته و با مصاحبه رو در رو انجام شده است.

متغیر وابسته، نگرش نسبت به طلاق است. این متغیر با استفاده از این سؤال سنجیده شده است: «لطفاً در هر یک از موارد زیر (طلاق) مشخص کنید که تا چه اندازه موجه است؟» گزینه‌های پاسخ از ۱ (هرگز موجه نیست) تا ۱۰ (همیشه موجه است) متغیر بود که به این معنی است افرادی که نمره بالاتری دریافت کنند، نگرش مثبت‌تری به طلاق دارند.

متغیر مستقل اصلی تحقیق، دین یا وابستگی دینی است. این متغیر بر اساس این سؤال

سنجیده شده است که "شما خود را به کدام دین یا فرقه متعلق می‌دانید؟" گزینه‌های پاسخ در کشورها تا حدودی متفاوت بوده است ولی در نهایت و با تجمع داده‌ها، پاسخ‌ها در هفت گروه اصلی طبقه‌بندی شدند: به هیچ دینی تعلق ندارم (بی‌دین)، مسیحی پروتستان، مسیحی کاتولیک، مسیحی ارتدوکس، مسلمان، یهودی، بودایی، هندو، سایر.

متغیرهای کنترل شامل رفتارها و باورهای مذهبی، ارزش‌های فرهنگی و ویژگی‌های فردی هستند. رفتارها و باورهای مذهبی عبارتند از (۱) اهمیت دین در زندگی که با این سؤال سنجیده شده است که "لطفاً بگویید هر یک از این موارد تا چه میزان در زندگی شما اهمیت دارد؟" پاسخ‌ها به این صورت است که: بسیار اهمیت دارد، تاحدودی اهمیت دارد، چندان اهمیت ندارد، اصلاً اهمیت ندارد. (۲) شخصیت فردی که با این سؤال سنجیده شده است که "بدون در نظر گرفتن اینکه آیا شما در مراسم مذهبی شرکت می‌کنید و یا خیر، خودتان را چگونه فردی می‌دانید" پاسخ‌ها به این صورت بود که خود را فردی مذهبی می‌دانم، خود را فردی غیرمذهبی/بی‌دین می‌دانم. (۳) میزان مشارکت در مراسم مذهبی؛ که این متغیر نیز با دو سؤال سنجیده شد: "این روزها شما تا چه میزان در مراسم مذهبی شرکت می‌کنید؟" و "شما تا چه میزان نماز و دعا می‌خوانید؟".

ارزش‌های فرهنگی نیز شامل چهار متغیر می‌شوند. سکولاریسم^۱، اختیارگرایی، نگرش به برابری جنسیتی^۲ و شاخص پسمادی‌گرایی^۳. سنجش این شاخص‌ها بر اساس دستورالعمل استاندارد ارائه شده توسط مجریان پیمایش انجام شده است. شاخص برابری جنسیتی به باورها و ارزش‌های افراد درباره حقوق و نقش‌های برابر برای زنان و مردان در جامعه اشاره دارد. برای سنجش نگرش نسبت به برابری جنسیتی در سه جنبه آموزش، اشتغال و سیاست از افراد خواسته شد تا میزان موافقت خود را با چهار گویه زیر بیان کنند: «تحصیل دانشگاهی برای یک پسر مهمتر از یک دختر است»، «مردان نسبت به زنان در کل، رهبران سیاسی بهتری هستند»، «مردان مدیران بهتری می‌شوند»، «در شرایطی که مشاغل کمیاب‌اند، مردان نسبت به زنان حق بیشتری دارند». پسمادی‌گرایی بر اساس

1. Secularism
2. Gender equality
3. Post-materialism

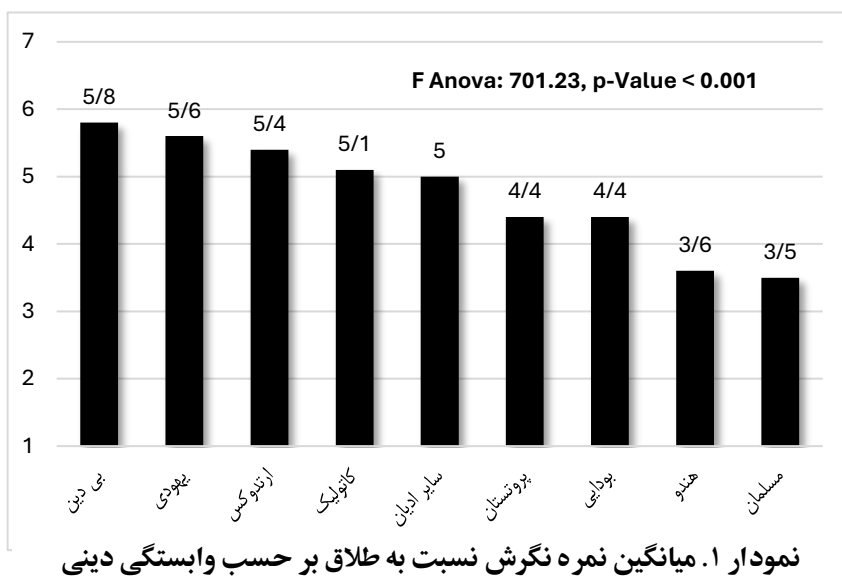
نظریه اینگلههارت توسعه‌یافته و نشان‌دهنده تغییر از ارزش‌های مادی (مانند امنیت اقتصادی) به ارزش‌های پسامادی (مانند خودبیانگری، آزادی و کیفیت زندگی) در جوامع مدرن است. برای سنجش شاخص پسامادی‌گرایی از سه سؤال استفاده شده است. (۱) «لطفاً بگویید، کدام یک از این موارد، برای خود شما دارای بیشترین اهمیت است؟» رشد اقتصادی زیاد، مطمئن شدن از اینکه کشورمان توان نظامی و دفاعی قدرتمندی داشته باشد، مطمئن شدن از اینکه مردم تأثیر بیشتری بر چگونگی انجام کارها در جامعه و محل کارشان، داشته باشند، تلاش برای زیباتر ساختن شهرها و روستاها. (۲) "از میان فهرست زیر کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟" حفظ نظم در کشور، نقش مردم در تصمیمات مهم دولت، مبارزه با افزایش قیمت‌ها و حمایت از آزادی بیان. (۳) "از این فهرست کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟" ثبات اقتصادی، حرکت به سمت یک جامعه انسانی‌تر، حرکت به سمت جامعه‌ای که در آن ایده‌ها و اندیشه‌ها مهم‌تر از پول و سرمایه است، مبارزه با جرم و جنایت. سکولاریسم به جدایی دین از نهادهای حکومتی، سیاست و زندگی عمومی اشاره دارد. این ایده بر مبنای کاهش اقتدار مذهبی در عرصه‌های اجتماعی و نهادی است و هدف آن تأمین بی‌طرفی دولت نسبت به ادیان مختلف است. در تحقیق حاضر بر سکولاریسم در سطح فردی متمرکز می‌شویم. در سنجش متغیر سکولاریسم از میزان موافقت با گویه‌های زیر انجام شده است: «استقلال و اراده فردی»، «اهمیت خدا در زندگی فرد»، «احترام قائل شدن برای مقامات و اشخاص»، «احساس غرور ملی و اولویت داشتن امنیت اقتصادی و فیزیکی» مورد سنجش قرار گرفته است. به منظور سنجش اختیارگرایی از پاسخگویان سؤال شد که "لطفاً بگویید کدام یک از این موارد به نظر شما اهمیت ویژه‌ای برای کودکان دارد؟" استقلال، حرف‌شنوی و فرمان‌برداری، سخت‌کوشی، و با ایمان بودن.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار Stata 17 انجام شد. برای بررسی تأثیر رابطه بین متغیرهای مستقل، کنترل و نگرش نسبت به طلاق، از نمودارهای میله‌ای، آزمون کای‌اسکوئر، آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. برای انجام تحلیل چندمتغیره نیز آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره مورد استفاده قرار گرفت.

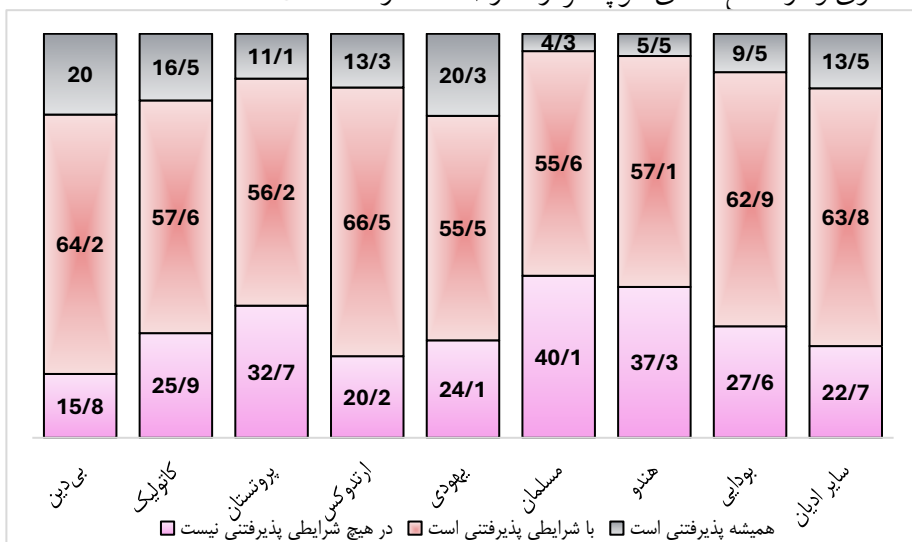
۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در سه بخش ارائه خواهد شد. ابتدا میانگین نمره نگرش به طلاق و نیز پذیرش آن در بین پیروان ادیان مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس روابط دو متغیره برای بررسی ویژگی‌های فردی، فرهنگی و مذهبی با نگرش نسبت به طلاق آزمون خواهد شد و در نهایت با انجام تحلیل‌های چندمتغیره سعی خواهیم کرد با کنترل ویژگی‌های فردی و فرهنگی تأثیر وابستگی دینی بر نگرش به طلاق را بررسی کنیم.

نمودار ۱ میانگین نمره نگرش نسبت به طلاق را بر حسب وابستگی دینی افراد نشان می‌دهد. نمره بیشتر به معنای نگرش مثبت‌تر به طلاق است. به این ترتیب، افرادی که بیان کرده‌اند خود را متعلق به هیچ فرقه یا دینی نمی‌دانند، بالاترین نمره را به خود اختصاص داده‌اند (با میانگین ۵/۸). یهودی‌ها با نمره ۵/۶ در رده بعدی قرار دارند. در سمت مقابل، مسلمانان با میانگین نمره ۳/۵ در رده آخر نگرش نسبت به طلاق قرار دارند که به معنی عدم پذیرش طلاق در بین پیروان این دین است. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نیز حاکی از آن است که این تفاوت‌ها به لحاظ آماری نیز معنادار است. با این حال بایستی توجه کرد که این تفاوت بین برخی گروه‌ها معنادار نیست. برای مثال مسلمانان و هندوها، همچنین یهودی‌ها با افراد بی‌دین یا بودایی‌ها و پروتستان‌ها تفاوت معناداری در نمره نگرش نسبت به طلاق نداشتند.



نمودار ۲ میزان پذیرش طلاق در بین پیروان ادیان مختلف را به تصویر کشیده است. نتایج نشان می‌دهد که پیروان دین یهود بیش از پیروان سایر ادیان بیان کرده‌اند که طلاق در هر شرایطی پذیرفتنی است (۲۰/۳ درصد). افرادی که تعلق خاطر به هیچ یک از ادیان ندارند، با ۲۰ درصد در رتبه دوم قرار دارند. همچنین افراد بی‌دین کمتر از بقیه معتقدند که طلاق در هیچ شرایطی پذیرفتنی نیست (۱۵/۸ درصد). در سمت مقابل اما مسلمانان قرار دارند. آن‌ها بیش از پیروان سایر ادیان با این گزینه موافق هستند که طلاق در هیچ شرایطی پذیرفتنی نیست (۴۰/۱ درصد). نزدیک‌ترین شرایط به مسلمانان را پیروان دین هندو دارند. به باور ۳۷/۳ درصد از آنان، طلاق در هیچ شرایطی پذیرفتنی نیست و تنها ۵/۵ درصد آن‌ها با طلاق در هر شرایطی موافق بوده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت که افراد بی‌دین و یهودیان بیشترین پذیرش طلاق را دارند در حالی که مسلمانان و هندوها کمترین پذیرش طلاق را بیان کرده‌اند. همچنین نتایج آزمون کای اسکوئر ($P\text{-value} < 0.001$)، $X^2 = 243.94/2$) نیز نشان داد که رابطه بین وابستگی دینی و میزان پذیرش طلاق به لحاظ آماری و در سطح خطای کوچکتر از ۱ درصد معنادار شده است.



نمودار ۲. شرط پذیرش طلاق بر حسب وابستگی دینی

جدول ۱ توزیع پاسخگویان بر حسب ویژگی‌های فردی و همچنین میانگین نمره نگرش نسبت به طلاق در گروه‌های مختلف بر حسب وابستگی دینی آن‌ها آورده شده

است. نتایج نشان می‌دهد که زنان نگرش مثبت‌تری به طلاق داشته‌اند. این الگو در همه گروه‌های دینی مشاهده می‌شود و زنان صرف‌نظر از اینکه پیرو چه دینی باشند، نمره بالاتری از مردان کسب کرده‌اند. همچنین زنان و مردانی که به هیچ دینی تعلق ندارند، نگرش مثبت‌تری به طلاق دارند. اختلاف معنادار در نگرش ساکنان مناطق شهری و روستایی نیز دیده می‌شود به طوری که نمره نگرش افراد شهری ۵/۲ و برای روستایی‌ها ۳/۸ می‌باشد. ساکنان شهری در همه ادیان نمرات بالاتری دارند. بیشترین اختلاف مناطق شهری و روستایی به یهودیان تعلق دارد. به لحاظ وضع زناشویی، بیشترین نمره نگرش مربوط به افراد مطلقه است. به جز در بین یهودی‌ها که افراد بیوه نمره بالاتری داشتند، در سایر ادیان نیز ملاحظه می‌شود که افراد مطلقه در مقایسه با سایر وضعیت‌های زناشویی، نگرش مثبت‌تری به طلاق داشته‌اند. همبستگی بین سن و نگرش نسبت به طلاق نیز منفی و به لحاظ آماری معنادار است. با افزایش سن، نگرش نسبت به طلاق منفی‌تر خواهد شد. بررسی نگرش نسبت به طلاق بر حسب وضع فعالیت نیز متفاوت است. افراد شاغل و بازنشسته نگرش مثبت‌تری نسبت به طلاق دارند، در حالی که خوداشتغال‌ها و خانه‌داران نمره پایین‌تری در نگرش نسبت به طلاق کسب کرده‌اند.

تحصیلات یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که بر نگرش افراد تأثیرگذار است. نتایج آزمون آماری نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین گروه‌های مختلف تحصیلی به لحاظ نمره نگرش نسبت به طلاق وجود دارد. افراد با تحصیلات دانشگاهی با نمره ۵/۴ بالاترین و افراد بی‌سواد با ۳/۴ کمترین نمره را به خود اختصاص داده‌اند. در واقع هرچه به سمت طبقات بالاتر تحصیلی حرکت می‌کنیم، میانگین نمره نگرش بیشتر خواهد شد. این الگو در بین پیروان ادیان مختلف نیز وجود دارد. به این ترتیب، صرف‌نظر از اینکه افراد پیرو چه دینی هستند، با افزایش تحصیلات، نگرش آن‌ها نسبت به طلاق مثبت‌تر خواهد بود. با این حال دو استثنا وجود دارد. افراد یهودی بی‌سواد نمره بالاتری نسبت به یهودی‌های دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی کسب کرده‌اند. همچنین افراد بی‌سواد هندو تنها نسبت به هندوهای تحصیل‌کرده دانشگاهی نمره پایین‌تری دارند و سایر طبقات تحصیلی در مقایسه با آن‌ها نگرش منفی‌تری به طلاق داشته‌اند.

جدول ۱. توزیع پاسخگویان بر حسب ویژگی‌های فردی، و میانگین نمره نگرش نسبت

به طلاق بر حسب وابستگی مذهبی

میانگین نمره نگرش نسبت به طلاق بر حسب دین									میانگین نگرش		
سایر	بودایی	هندو	مسلمان	یهودی	ارتدوکس	پروتستان	کاتولیک	بی‌دین			
۵.۱	۴.۵	۳.۴	۳.۵	۵.۶	۵.۵	۴.۶	۵.۳	۵.۹	۴.۸	جنس	زن
۴.۹	۴.۳	۳.۷	۳.۴	۵.۵	۵.۲	۴.۲	۵	۵.۷	۴.۶	۹/۴۲**	مرد
۴.۶	۳.۶	۲.۷	۳.۱	۳.۴	۴.۵	۳.۱	۴.۴	۴.۹	۳.۸	محل سکونت	روستا
۵.۱	۵.۱	۴.۶	۳.۸	۶.۳	۵.۸	۴.۹	۵.۴	۶.۱	۵.۲	۵۵/۳۵**	شهر
۴.۶	۴.۲	۳.۴	۳.۳	۵.۱	۵.۲	۴.۲	۴.۹	۵.۴	۴.۳	وضع زناشویی ۸۳/۶۸**	دارای همسر
۵.۳	۵.۷	۴	۴.۸	۵.۶	۵.۸	۵.۱	۵.۱	۶.۴	۵.۶		همخانگی
۵.۸	۵.۴	۵	۴.۲	۶.۷	۶.۲	۵.۷	۵.۹	۶.۸	۵.۹		بی‌همسر در اثر طلاق
۴.۶	۴.۶	۴	۳.۶	۶.۹	۵.۱	۴.۴	۴.۷	۵.۴	۴.۶		بی‌همسر در اثر فوت
۵.۵	۴.۶	۴.۴	۳.۸	۵.۶	۵.۶	۴.۴	۵.۴	۶.۲	۵.۱		هرگز ازدواج نکرده
۳.۶	۳.۸	۳.۵	۳.۲	۴.۹	۳.۲	۲.۸	۴	۳.۶	۳.۴	تحصیلات ۳۷۶/۷**	بی‌سواد
۳.۹	۳.۸	۳.۱	۳.۲	۲.۳	۴.۷	۳.۲	۴.۵	۴.۲	۳.۹		ابتدایی
۴.۹	۴	۳.۱	۳.۵	۲.۳	۴.۶	۳.۷	۴.۶	۴.۸	۴.۲		راهنمایی
۴.۹	۴.۸	۲.۹	۳.۳	۶.۴	۵.۶	۴.۶	۵.۴	۶.۱	۴.۹		متوسطه
۵.۶	۵.۴	۴.۸	۳.۹	۷.۲	۵.۹	۵.۱	۵.۷	۶.۵	۵.۴		دانشگاهی
۵.۳	۴.۱	۳.۵	۳.۵	۴.۶	۵.۳	۴	۵.۱	۵.۹	۵	گروه سنی	۱۸-۲۴ ساله
۴.۹	۴.۴	۳.۷	۳.۵	۵.۲	۵.۶	۴.۶	۵.۲	۵.۷	۴.۷	۰۰/۰۳۶**	۳۵-۶۴ ساله

۴.۸	۴.۹	۳.۴	۳.۳	۷.۷	۴.۸	۵	۵.۱	۵.۷	۴.۶	۶۵ ساله و بالاتر	وضع فعالیت ۳۷/۷۰*
۵.۳	۴.۹	۴.۷	۳.۶	۶.۶	۵.۸	۴.۹	۵.۶	۶.۱	۵.۱	شاغل	
۴.۵	۳.۷	۲.۶	۳.۳	۳.۵	۴	۳.۲	۴.۵	۵.۴	۴	خوداشتغال	
۵.۱	۵.۲	۳.۲	۳.۴	۷.۱	۵	۵.۲	۵.۵	۵.۸	۵.۱	بازنشسته	
۴.۶	۴.۴	۲.۶	۳.۴	۵.۳	۴.۹	۴.۲	۴.۷	۵.۱	۴.۱	خانه‌دار	
۵.۱	۴.۶	۳.۸	۳.۶	۵.۵	۵.۶	۴.۲	۵.۴	۶.۲	۴.۹	بازنشسته	
۵.۳	۴.۴	۳.۵	۳.۳	۴.۲	۵.۷	۳.۷	۴.۴	۵.۴	۴.۴	بیکار	
۴.۱	۴	.	۳.۷	۴.۵	۶.۵	۴	۴.۵	۵.۶	۴.۶	سایر	

** معنادار در سطح خطای کوچکتر از ۱ درصد

جدول ۲ میانگین کل نمره نگرش نسبت به طلاق بر حسب ویژگی‌های فردی و وابستگی دینی را نشان می‌دهد. میانگین نمره نگرش نسبت به طلاق از تفاوت معناداری بین طبقات مختلف اهمیت دین در زندگی برخوردار است. چنان‌که ملاحظه می‌شود، افرادی که اهمیت دین در زندگی‌شان را پایین ارزیابی کرده‌اند، نمره بالاتری نیز در نگرش به طلاق کسب کرده‌اند. افراد غیرمذهبی نیز مطابق انتظار، نگرش مثبت‌تری نسبت به طلاق داشته‌اند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که رابطه منفی و معناداری بین دفعات شرکت در مناسک مذهبی و نگرش نسبت به طلاق وجود دارد. هرچه مشارکت افراد در این مراسم بیشتر باشد، نمره نگرش آن‌ها پایین‌تر است و این یعنی که نگرش به طلاق منفی‌تر است. در رابطه با ویژگی‌های فردی نیز ملاحظه می‌شود که افرادی که ارزش‌های پسماتریالیستی دارند، اختیارگرایند، دارای ارزش‌های سکولار بوده و نگرش مثبتی به برابری جنسیتی دارند، نگرش نسبت به طلاق نیز در بین آنان مثبت‌تر است.

الگوهای بیان شده در پاراگراف قبلی، در مورد گروه‌های مختلف دینی نیز صدق می‌کند. برای مثال در پیروان همه ادیان، افرادی که دین را بسیار مهم ارزیابی کرده‌اند بالاترین نمره و افرادی که دین را مهم نمی‌دانند، بالاترین نمره نگرش را به خود اختصاص داده‌اند. افرادی که خود را مذهبی می‌دانند، در همه ادیان نمره پایین‌تری نسبت به افراد غیرمذهبی کسب کرده‌اند. رابطه منفی بین مشارکت در مراسم مذهبی و نگرش

نسبت به طلاق در بین همهٔ ادیان نیز مشاهده می‌شود. افرادی که کمتر در چنین مناسکی شرکت می‌کنند، تمایل بیشتری به پذیرش طلاق دارند. در میان افرادی که مشارکت بالایی در مراسم مذهبی دارند، مسلمانان پایین‌ترین نمره را ثبت کرده‌اند. در رابطه با ارزش‌ها نیز مشاهده می‌شود که در همهٔ ادیان آن دسته از افرادی که ارزش‌های پساماتریالیستی دارند، بالاترین نمرهٔ نگرش را نیز کسب کرده‌اند. در بین افرادی که مادی‌گرا هستند، هندوها و ارتدوکس‌ها به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین میانگین‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در میان افراد با ارزش‌های پسامادی‌گرا نیز افراد بی‌دین نگرش مثبت‌تری به طلاق دارند. در سمت مقابل مسلمانان و هندوها قرار دارند. شاخص استقلال فردی در تصمیم‌گیری‌ها نیز این روندها را مورد تأیید قرار می‌دهد. افراد تقدیرگرا نمرات پایین‌تری دارند، به‌ویژه در میان بودایی‌ها (۲/۸) و مسلمانان (۳/۴). اختیارگرایان بالاترین مقبولیت طلاق را داشتند و در بین آن‌ها افراد بی‌دین و یهودیان در رأس قرار دارند. همچنین در همهٔ ادیان کسانی که ارزش‌های سکولار کمتری دارند عموماً نگرش منفی‌تری نیز به طلاق از خود نشان می‌دهند. در نهایت، افرادی که نگرش پایینی نسبت به برابری جنسیتی دارند کمترین نمرات پذیرش طلاق را در همه ادیان کسب کرده‌اند.

جدول ۲. میانگین نمرهٔ نگرش نسبت به طلاق بر حسب رفتارهای فرهنگی در طبقات

مختلف وابستگی دینی

میانگین نمرهٔ نگرش نسبت به طلاق بر حسب دین									میانگین کل		
سیک	بودایی	هندو	مسلمان	یهودی	ارتدوکس	پروتستان	کاتولیک	بی‌دین			
۴.۶	۳.۵	۳	۳.۴	۳.۹	۴.۶	۳.۷	۴.۴	۴.۶	۳.۸	خیلی مهم است	اهمیت دین در زندگی
۴.۸	۴.۶	۴.۲	۳.۹	۵	۵.۷	۵.۱	۵.۵	۵.۳	۵.۱	تا حدودی مهم است	
۵.۶	۵.۵	۵.۶	۳.۹	۶.۹	۶.۳	۶.۲	۶.۴	۵.۷	۵.۸	خیلی مهم نیست	

۶.۸	۵.۶	۵.۷	۴.۸	۸.۶	۶.۴	۶.۴	۶.۷	۶.۵	۶.۴	اصلاً مهم نیست	
۴.۷	۳.۶	۳.۳	۳.۳	۴.۷	۵.۲	۴.۱	۴.۹	۵.۳	۴.۲	مذهبی	شخصیت
۵.۶	۵.۳	۵	۴	۶.۳	۵.۷	۵.۵	۶	۵.۹	۵.۵	غیر مذهبی / آنتیست	فردی ۳۳۴/۸۰۰
۵.۷	۴.۸	۴.۲	۳.۷	۵.۳	۵.۹	۶	۶.۳	۵.۹	۵.۵	کم	شرکت در
۵	۴.۵	۳.۶	۳.۶	۶.۶	۵.۸	۵.۶	۵.۴	۵.۸	۴.۹	متوسط	مناسک
۴.۳	۳.۶	۳.۴	۳.۲	۴.۱	۴	۳.۵	۴.۳	۴.۵	۳.۷	زیاد	مذهبی - ۰/۲۳۶۰۰
۴.۹	۴.۳	۳.۴	۳.۶	۳.۸	۵.۵	۳.۷	۴.۸	۵.۲	۴.۵	مادی گرا	ارزش‌ها
۵	۴.۳	۳.۶	۳.۴	۵.۹	۵.۳	۴.۴	۵.۱	۵.۸	۴.۷	مختلط	۶۶/۲۰۰
۵.۸	۴.۴	۳.۸	۳.۸	۶.۷	۵.۳	۵.۸	۵.۷	۶.۹	۵.۶	پسامادی گرا	
۴.۲	۲.۸	۴.۴	۳.۴	۲.۵	۴	۳	۴.۲	۴.۴	۳.۷	تقدیرگرا	شاخص
۵	۴.۳	۳.۴	۳.۴	۵.۶	۵.۳	۴.۴	۵.۲	۵.۷	۴.۷	حد وسط	استقلال
۵.۷	۵.۶	۵.۹	۴.۱	۷	۶.۵	۶.۳	۶.۴	۶.۶	۶.۱	اختیارگرا (تعیین گرا)	۰/۲۰۵۰۰
۴.۶	۳.۸	۲.۷	۳	۳.۸	۴.۵	۳.۷	۴.۶	۴.۷	۳.۸	پایین	ارزش‌های
۵.۱	۴.۷	۴.۵	۴	۵.۷	۵.۹	۵	۵.۵	۵.۹	۵.۲	متوسط	سکولار
۶.۴	۵	۴.۵	۴.۷	۷.۸	۶.۴	۶	۶.۲	۶.۴	۶.۱	بالا	۰/۲۷۶۰۰
۴.۲	۲.۸	۳.۳	۲.۹	۲.۳	۴.۶	۳	۴	۴.۷	۳.۳	پایین	نگرش به
۴.۴	۴.۴	۳.۳	۳.۵	۴.۹	۵.۲	۳.۷	۴.۵	۵	۴.۳	متوسط	برابری
۵.۶	۵.۴	۴.۳	۴.۲	۶.۶	۵.۷	۵.۳	۵.۷	۶.۶	۵.۷	بالا	جنسیتی ۰/۳۱۶۰۰

** معنادار در سطح خطای کوچکتر از ۱ درصد

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون خطی را نشان می‌دهد که به بررسی تأثیر متغیرهای دینی-مذهبی، فرهنگی و فردی بر نگرش نسبت به طلاق می‌پردازد. همان‌گونه که

ملاحظه می‌شود، پنج مدل مجزا اجرا شده است. هدف این است که ابتدا مشخص کنیم که آیا صرف تعلق و وابستگی داشتن به یک دین خاص، می‌تواند بر نگرش افراد نسبت به طلاق تأثیرگذار باشد؟ این سؤال در مدل ۱ پاسخ داده خواهد شد. سپس در مدل‌های ۲، ۳ و ۴ به ترتیب تأثیر رفتارهای مذهبی، ارزش‌های فرهنگی و ویژگی‌های فردی به صورت جداگانه بر نگرش نسبت به طلاق بررسی شده است. در نهایت و در مدل ۵، همه متغیرهای مستقل در کنار هم وارد مدل شدند تا مشخص شود با کنترل این ویژگی‌ها، تأثیر وابستگی دینی به چه صورت خواهد بود.

متغیر مستقل در مدل اول وابستگی دینی است. بر این اساس گروه بی‌دین (افرادی که خود را متعلق به هیچ دین یا فرقه‌ای نمی‌دانند) به عنوان طبقه مرجع انتخاب شده است. مقدار ثابت یا عرض از مبدا در این مدل برابر با ۵/۵ است که نشان‌دهنده نمره نگرش نسبت به طلاق برای گروه مرجع یا همان افراد بی‌دین است. نتایج حاکی از آن است که تنها یهودی‌ها هستند که در نگرش نسبت به طلاق تفاوت معناداری با طبقه مرجع ندارند. بر این اساس، پیروان تمامی ادیان (به جز دین یهود) در مقایسه با افراد بی‌دین نگرش منفی‌تری به طلاق داشته‌اند. بیشترین تأثیر منفی مربوط به مسلمانان است که نشان می‌دهد آن‌ها در مقیاس نگرش نسبت به طلاق در مقایسه با افراد بی‌دین، کمترین نمره را کسب کرده‌اند. متغیر وابستگی دینی تنها توانسته است حدود ۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. به این ترتیب مشخص می‌شود که عوامل متعدد دیگری نیز وجود دارند که تفاوت در نگرش نسبت به طلاق را توجیه می‌کنند.

در مدل دوم، رفتارهای مذهبی به عنوان متغیر مستقل وارد مدل شدند. این متغیرها در مجموع توانسته‌اند ۱۰ درصد از واریانس نگرش به طلاق را تبیین کنند. تأثیر هر سه متغیر به لحاظ آماری معنادار شده است. نتایج ضرایب استاندارد حاکی از آن است که هرچه اهمیت دین در زندگی بیشتر باشد، نگرش نسبت به طلاق منفی‌تر خواهد بود. همچنین تأثیر شرکت در مناسک مذهبی نیز بر نگرش نسبت به طلاق به صورت منفی است، به این صورت که هرچه مشارکت در این مراسم بیشتر باشد، نمره نگرش به طلاق کمتر خواهد بود. از طرفی افراد آتئیست نیز نسبت به افراد مذهبی، نگرش مثبت‌تری به طلاق دارند.

تأثیر ارزش‌های فردی بر نگرش نسبت به طلاق در مدل سوم آورده شده است. تمام

این متغیرها تأثیر مثبت و معناداری بر نگرش به طلاق دارند. بنابر نتایج، افرادی که دارای ارزش‌های پساماتریالیستی‌اند، در مقایسه با افراد مادی‌گرا نگرش مثبت‌تری به طلاق دارند. همچنین هرچه اعتقاد به اختیارگرایی، داشتن ارزش‌های سکولار و نگرش نسبت به برابری جنستی در سطح بالاتری باشد، نگرش نسبت به طلاق نیز مثبت‌تر خواهد بود. نتایج ضریب تبیین تعدیل شده نشان می‌دهد که این دسته از متغیرها در مقایسه با سایر گروه‌ها، بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها برای نگرش نسبت به طلاق هستند. به این ترتیب که آن‌ها توانسته‌اند بیش از ۱۶ درصد از واریانس نگرش نسبت به طلاق را تبیین کنند.

ویژگی‌های فردی نیز همواره از متغیرهایی هستند که بر رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌های افراد تأثیرگذارند. از این رو تأثیر آن‌ها بر نگرش نسبت به طلاق در مدل چهارم مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که مردان در مقایسه با زنان نگرش منفی‌تری به طلاق دارند. از طرفی، افراد ساکن در مناطق شهری نسبت به روستاییان نگرش مثبت‌تری به طلاق دارند. سن نیز تأثیر منفی و معناداری بر نگرش نسبت به طلاق داشته است و هرچه سن افزایش یابد نگرش نسبت به طلاق منفی‌تر خواهد بود. تحصیلات از متغیرهای مهمی است که در شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌ها نقش دارد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هرچه تحصیلات افزایش می‌یابد نگرش نسبت به طلاق نیز مثبت‌تر خواهد بود. در واقع افراد در تمامی طبقات تحصیلی در مقایسه با افراد بی‌سواد نمره بالاتری کسب کرده‌اند. بیشترین اختلاف نیز مربوط به گروه با تحصیلات دانشگاهی با افراد بی‌سواد است.

در نهایت، در مدل پنج تأثیر همه متغیرهای مستقل در کنار هم سنجیده شده است. با کنترل سایر متغیرها، شاهد هستیم که وابستگی دینی همچنان تأثیر معناداری بر نگرش نسبت به طلاق دارد. اگرچه تفاوت پیروان ادیان مختلف با افراد بی‌دین کاسته شده است. برای مثال ضریب تأثیر مربوط به مسلمانان از ۰/۳۰۹- به ۰/۰۲۲- کاهش یافته است. این کاهش در سایر طبقات نیز مشاهده می‌شود. اما یهودی‌ها همچنان تفاوت معناداری با افراد بی‌دین ندارند. این نتایج نشان می‌دهد که چنانچه افراد به لحاظ ویژگی‌های فرهنگی و فردی مشابه باشند، تفاوت در نمره نگرش آن‌ها تا حد زیادی کاهش خواهد یافت صرف‌نظر از اینکه به چه دینی تعلق دارند. هرچند این تفاوت‌ها به صورت کامل از بین نخواهد رفت. حضور همه متغیرها در مدل توانسته است تا بیش از ۲۰ درصد از واریانس

متغیر وابسته را تبیین کند.

در کل باید گفت نگرش مثبت به طلاق در بین افراد با ویژگی‌های زیر بیشتر است:

- به هیچ دینی تعلق نداشته یا پیرو دین یهود باشند،
- اهمیت دین در زندگی آن‌ها کمتر باشد،
- شخصیتی غیر مذهبی یا آتئیست داشته باشند،
- در مراسم مذهبی مشارکت کمتری داشته باشند،
- دارای ارزش‌های پسمادی گرایانه باشند،
- اختیارگرا باشند،
- ارزش‌های سکولار در بین آن‌ها بیشتر باشد،
- نگرش مثبتی به برابری جنسیتی داشته باشند،
- مرد، ساکن روستا با تحصیلات متوسطه و دانشگاهی، و ازدواج کرده باشند.

جدول ۳. بررسی تأثیر دین و باورهای مذهبی بر نگرش نسبت به طلاق با کنترل سایر

متغیرها

متغیر		مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵
ویژگی دینی - مذهبی	دین	بی دین (مرجع)				
		مسیحی کاتولیک	-۰/۰۵۸**			۰/۰۴۰**
		مسیحی پروتستان	-۰/۰۸۶**			-۰/۰۱۹**
		مسیحی ارتدوکس	-۰/۰۲۲**			۰/۰۴۷**
		یهودی	-۰/۰۰۱ ^{ns}			۰/۰۰۳ ^{ns}
		مسلمان	-۰/۰۳۰۹**			-۰/۰۲۲**
		هندو	-۰/۰۴۵**			-۰/۰۱۱**
		بودایی	-۰/۰۹۱**			-۰/۰۰۸*
	اهمیت دین در زندگی		-۰/۰۲۵۲**			-۰/۰۱۰۴**
	دفعات شرکت در مناسک مذهبی		-۰/۰۸۸**			-۰/۰۵۰**
	شخصیت فردی	مذهبی (مرجع)				

				۰/۰۱۵**		آتیست			۰/۰۰۸ ^{ns}
ویژگی فرهنگی	ارزش‌های	مادی گرا (مرجع)							
		مختلط						۰/۰۰۵ ^{ns}	-۰/۰۰۲ ^{ns}
		پسامادی گرا						۰/۰۴۰**	۰/۰۴۱**
	استقلال فردی							۰/۰۴۹**	۰/۰۹۸**
	ارزش‌های سکولار							۰/۱۱۷**	۰/۲۰۰**
	نگرش به برابری جنسیتی							۰/۱۷۹**	۰/۲۱۰**
ویژگی فردی	جنس	زن (مرجع)							
		مرد						-۰/۰۲۱**	-۰/۰۵۴**
	محل سکونت	روستا (مرجع)							
		شهر						۰/۰۷۱**	۰/۱۳۴**
	سن							-۰/۰۵۷**	-۰/۱۰۵**
	تحصیلات	بی سواد (مرجع)							
		ابتدایی						-۰/۰۰۸ ^{ns}	۰/۰۳۹**
		راهنمایی						۰/۰۰۱ ^{ns}	۰/۰۷۷**
		متوسطه						۰/۰۶۵**	۰/۱۸۵**
		دانشگاهی						۰/۰۸۸**	۰/۲۲۶**
	وضع تاهل	دارای همسر (مرجع)							
		مجرد						-۰/۰۷۴**	-۰/۱۳۰**
	مقدار ثابت		۵/۵۹۷**	۷/۴۹۴**	۱/۵۷۵**	۲/۶۲۹**	۳/۱۰۸**		
	مقدار F		۸۵۰/۹**	۲۵۷۴/۰**	۲۵۵۷/۱**	۸۰۱/۱**	۶۹۷/۲**		
	ضریب تبیین تعدیل شده		۰/۰۷۹	۰/۱۰۱	۰/۱۶۱	۰/۰۹۴	۰/۲۰۳		

* معنادار در سطح خطای ۵ درصد. ** معنادار در سطح خطای ۱ درصد. ns غیر معنادار

نتیجه‌گیری

اگرچه جوامع امروزی به سمت سکولاریزه شدن پیش می‌روند، اما دین هنوز هم به‌عنوان یک نیروی هدایت‌کننده در زندگی افراد عمل می‌کند و بر ارزش‌ها، رفتارها و هنجارهای اجتماعی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در چنین شرایطی بررسی نقش دین در شکل‌گیری نگرش افراد می‌تواند بینش‌های ارزشمندی ارائه کند. در پژوهش حاضر نگرش نسبت به طلاق در میان پیروان ادیان اصلی جهان مورد بررسی قرار گرفت. در بین ادیان الهی، مسلمانان پایین‌ترین پذیرش طلاق و یهودیان بیشترین نگرش مثبت به طلاق را بیان کرده بودند. اگر به مطالعات پیشین در این زمینه نگاه کنیم متوجه خواهیم شد که مطالعه خاصی وجود ندارد که نگرش نسبت به طلاق را در بین ادیان بررسی کرده باشد. با این حال موضوعات مشابهی در این زمینه وجود دارد. برای مثال بررسی رضایت زناشویی که می‌تواند منجر به طلاق شود در بین پیروان ادیان مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این مطالعات تا حدودی متفاوت است. برخی تحقیقات نشان داده‌اند که مسیحیان نسبت به مسلمانان رضایت بیشتری داشته‌اند (لو-ویزل و الکراوی، ۱۹۹۹)، در حالی که مطالعات دیگر شواهدی مبنی بر ارتباط ضعیف بین رضایت زناشویی و دین ارائه کرده‌اند (بوث و همکاران، ۱۹۹۵، سالیوان ۲۰۰۶، دابون ۲۰۱۲، اولسون و همکاران ۲۰۱۶). همچنین سروکوفسکی و همکاران (۲۰۱۹) نشان می‌دهند که میزان رضایت زناشویی در میان مسلمانان، مسیحیان و افراد بی‌دین به لحاظ آماری متفاوت و معنادار نیست. کاپینوس و فلاورز (۲۰۰۸) نیز بین مذهب پروتستان و نگرش محافظه‌کارانه نسبت به طلاق ارتباط معناداری پیدا کردند.

در مورد ادیان غیرالهی بودیسم و هندوئیسم نیز مشاهده شد که پیروان آن‌ها به طور کلی نگرش نسبتاً منفی به طلاق داشتند و بعد از مسلمانان پایین‌نمره‌ها را کسب کرده بودند. این در حالی است که در هیچ کدام از این دو دین، طلاق به طور صریح ممنوع اعلام نشده است. این که علیرغم فقدان ممنوعیت صریح مذهبی، بودایی‌ها و به‌ویژه هندوها نگرش منفی نسبت به طلاق دارند، چند دلیل دارد. هندوئیسم به طور سنتی ازدواج را یک تعهد مقدس و مادام‌العمر می‌داند. این پس‌زمینه فرهنگی می‌تواند منجر به برداشت منفی از طلاق شود (آماتو، ۱۹۹۴). همچنین به لحاظ تاریخی، قوانین کلاسیک هندو طلاق را مجاز نمی‌دانست و در ۱۹۵۵ بود که برای اولین بار حق طلاق برای زنان

هندو در نظر گرفته شد. این زمینه تاریخی می‌تواند نگرش‌ها را تحت تأثیر قرار دهد حتی اگر چارچوب‌های حقوقی مدرن روند طلاق را تسهیل کند (ورنر ۲۰۰۹، دیوان ۱۹۵۷). همچنین، در اجتماعات و مناطق محافظه‌کارتر هندو، طلاق هنوز یک انگ اجتماعی محسوب می‌شود و آنرا مساوی از دست دادن شرافت و احترام خانواده می‌دانند (پوتن، ۱۹۸۹). در بودیسم نیز آموزه‌های فرهنگی و اخلاقی، تحمل سختی‌های شخصی را به نفع ثبات خانوادگی ترویج می‌کند (وینست و دملو، ۲۰۱۸). بر این اساس می‌توان گفت نگرش منفی به طلاق پیروان این دو دین را به ترکیبی از دیدگاه‌های قانونی، تاریخی، ارزش‌های فرهنگی و اهمیتی که به خانواده و اجتماع داده می‌شود، نسبت داد به طوری که طلاق حتی در غیاب منع صریح مذهبی، مورد قبول واقع نشود.

در بین پیروان همه ادیان، افرادی که خود را مذهبی می‌دانستند، اهمیت دین را در زندگی بالا ارزیابی کرده بودند و مشارکت بالایی در مراسم مذهبی داشتند، نگرش مثبت‌تری نیز به طلاق داشتند. این یافته توسط مطالعات دیگر (پرزور و قربانی، ۲۰۲۳؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸؛ استوکس و آلیسون، ۲۰۱۰) پشتیبانی می‌شود. علاوه بر اینکه وابستگی دینی و باورهای مذهبی توانسته‌اند نگرش نسبت به طلاق را تحت تأثیر قرار دهند؛ عوامل دیگری نیز وجود دارند که بر این نگرش تأثیرگذار هستند. سکولاریسم، اختیارگرایی، داشتن ارزش‌های پسمادی گرایانه و نگرش مثبت به برابری جنسیتی همگی تأثیر مثبتی بر نگرش نسبت به طلاق دارند. در همین رابطه مطالعات مختلف بر تأثیر سکولاریسم و ارزش‌های پسماتریالیستی بر تغییر در نگرش‌های مربوط به خانواده اشاره کرده‌اند (کریمی، ۱۴۰۰، اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۵، امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، اینگلهارت، ۱۹۹۷). برخی مطالعات نیز نشان داده‌اند که این ارزش‌ها با هنجارهای خانوادگی غیرسنتی و نگرش مثبت‌تر نسبت به طلاق همراه بوده است (بیستروف، ۲۰۱۴، گویرنسکایا، ۲۰۱۰). با این حال، برخی مطالعات وجود این ارتباطات را مورد تردید قرار داده‌اند. برای مثال ون‌دی‌کا (۲۰۰۱) هیچ رابطه‌ای بین این ارزش‌ها و موالید خارج از ازدواجی به‌عنوان یک رفتار غیرسنتی پیدا نکرد. هاگوی (۲۰۱۲) نیز به نقل از اینگلهارت بیان می‌کند که پسماتریالیست‌ها در مقایسه با ماتریالیست‌ها به طور بالقوه تمایل بیشتری به دین دارند.

در نهایت باید یادآور شد که اگرچه کنترل ویژگی‌های فردی و فرهنگی تا حدود تأثیر

دین و باورهای مذهبی را تضعیف می‌کند، اما وابستگی دینی و اهمیت دین در زندگی همچنان بر نگرش افراد نسبت به طلاق تأثیرگذار هستند. بایستی توجه کرد که بخشی از نگرش‌های دینی و مذهبی از طریق نسل‌ها منتقل می‌شوند و تأثیر قابل‌توجهی بر نگرش‌های فردی نسبت به طلاق دارند. بنابراین، حتی در جوامع مدرن و با وجود تغییرات فرهنگی، تأثیر دین بر نگرش‌ها و رفتارهای مربوط به خانواده غیرقابل‌انکار است.

بر اساس آنچه بیان شد می‌توان دو دسته از پیشنهادات را مطرح کرد. در زمینهٔ سیاستی، تأکیدها بایستی بر آگاهی‌بخشی متمرکز باشد. طراحی برنامه‌های آموزشی برای برای ترویج نگرش واقع‌گرایانه به طلاق می‌تواند راهکار مناسبی باشد. تقویت مشاورهٔ خانوادگی نیز می‌تواند در جلوگیری از نگرش مثبت به طلاق مؤثر باشد با این حال مشاوره‌ها بایستی در مناطق با تنوع مذهبی بر اساس واقعیت‌های موجود در آن زمینه مذهبی صورت گیرد. از نظر پژوهشی، بررسی دقیق‌تر رابطهٔ سکولاریسم و ارزش‌های مدرن با نگرش‌های خانوادگی می‌تواند به ارائهٔ درک بهتری از تغییرات اجتماعی کمک کند. همچنین تحقیق دربارهٔ چگونگی انتقال نگرش‌های دینی و فرهنگی به نسل‌های مختلف نیز به‌شناسایی روندهای تغییرات بین‌نسلی در جوامع مدرن به‌ویژه جامعهٔ ایران که در آن گذار خانواده در حال اتفاق افتادن است، می‌تواند بسیار مؤثر و کارآمد باشد.

فهرست منابع

۱. اخلاصی، ابراهیم؛ رستگار، یاسر؛ خرم، منوچهر. (۱۳۹۷). آموزه‌های دینی و مناسبات خانواده و زناشویی؛ مورد مطالعه: زوجین شهر بندرعباس. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۵(۸۲): ۹۹-۱۲۸. <https://doi.org/10.22054/qjss.2018.26242.1663>
۲. امام جمعه‌زاده، سیدجواد؛ رحیمی، رئوف؛ حاتمی نسب، سیدحسن. (۱۳۹۱). انقلاب خاموش در جوامع فرا صنعتی: تغییر در اولویت ارزش‌ها. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۲(۳)، ۶۱-۸۵. <http://priw.ir/article-1-103-fa.html>
۳. ایسپا، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران. (۱۳۹۷). چهار باور مذهبی، هشتاد درصد جمعیت جهان را دربرگرفته است. شنبه، ۱۵ اردیبهشت، در دسترس در: <https://ispa.ir>
۴. برخورداری، عزت‌الله. (۱۴۰۰). طلاق و شرایط صحت آن در قرآن و قانون مدنی، نشریه مطالعات قرآنی، ۱۲(۴۸)، ۱۴۹-۱۶۹. <https://doi.org/10.30495/qsf.2021.687503>
۵. بگی، میلاد؛ حسینی، حاتم. (۱۴۰۰). تفاوت‌های نسلی در نگرش نسبت به طلاق در ایران: کاربرد

- الگوی چند سطحی، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۳): ۲۳-۴۴. <https://doi.org/10.22108/srsp.2021.132060.1764>
۶. جهانگیری مغاللو، نسرین؛ کرد، خدیجه. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر رضایت از زندگی و پیشگیری از طلاق در زوجین، هفتمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش. محمودآباد. در دسترس در: <https://civilica.com/doc/1619971>
۷. ربی‌پور، محمدعلی. (۱۳۸۶). نگرش اسلام به موضوع ازدواج و طلاق و مقایسه تطبیقی آن‌ها با آیین‌های یهودیت و مسیحیت. فصلنامه علامه، (۱۵)، ۷۹-۵۹.
۸. رضایی، مریم. (۱۳۸۳). مبغوضیت طلاق در اسلام. رواق اندیشه، (۳۰). <https://hawzah.net/fa/Article/View/82429>
۹. قاسمی، فاطمه؛ عسکری‌زاده، قاسم؛ موسوی‌نسب، سید محمد حسین. (۱۳۹۸). رابطه ویژگی‌های شخصیت، نگرش مذهبی و رضایت جنسی با گرایش به طلاق در زنان پیراپزشک شهر کرمان در سال ۱۳۹۴-۹۵. پژوهش در دیسپلین و سلامت، (۴)۵، ۳۳-۲۰. <https://doi.org/10.22037/jrrh.v5i4.19860>
۱۰. کریمی، اعظم. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل نگرش جوانان به ازدواج و فرزندآوری. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۲۰(۲۵)، ۲۹۲-۲۷۵. https://faslname.msy.gov.ir/article_452.html
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی، (غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد). تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۲. مفتاح، احمد رضا؛ عبداللّهی، محمدحسن. (۱۳۹۶). مسئله طلاق در کلیسای کاتولیک معاصر. پژوهش‌های ادیانی، (۹)۵، ۲۸-۵. https://adyan.urd.ac.ir/article_111567.html
۱۳. متقی هندی، علی ابن حسام الدین. (۱۳۶۴ق). کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال. حیدرآباددکن: دائرة المعارف العثمانیه.
14. Alfred J. (1989). *Kolatch, The Jewish Book of Why/The Second Jewish Book of Why*. New York, Jonathan David Publishers.
15. Amato, P. R. (1994). The Impact of Divorce on Men and Women in India and The United States. *Shifting the Center: Understanding Contemporary Families*, 25(2), 207-221. <https://www.jstor.org/stable/41602321>
16. Anson, B. (2024). Buddhist Views on Marriage, Retrieved in July 2024 at: <https://www.budsas.org/ebud/whatbudbelieve/237.htm>
17. Booth, A., Johnson, D. R., Branaman, A., & Sica, A. (1995). Belief and behavior: Does religion matter in today's marriage? *Journal of Marriage and the Family*, 57, 661-671. <https://doi.org/10.2307/353921>
18. Bryant, D. (2006). Reflections on 1 Corinthians 7: 10-11, Retrieved in July 2024 at: <https://donbryant.wordpress.com/2006/07/19/reflections-on-1-corinthians-7-10-11/>
19. Bystrov, E. (2014). Testing the second demographic transition theory with seemingly unrelated regression: marital postponement and human empowerment. *European Sociological Review*, 30(4), 483-499. <https://doi.org/10.1093/esr/jcu054>
20. Collardeau, F., & Ehrenberg, M. (2016). Parental divorce and attitudes and

- feelings toward marriage and divorce in emerging adulthood: new insights from a multiway-frequency analysis. *Journal of European Psychology Students*, 7(1), 24-33. <http://dx.doi.org/10.5334/jeps.341>
21. Dabone, K. T. (2012). Marital Satisfaction Among Married People in Sunyani Municipality. Doctoral dissertation, University of Cape Coast, Ghana.
22. Davie, G. (2023). Revisiting Secularization in Light of Growing Diversity: The European Case. *Religions*, 14(9), 1119, 1-15. <https://doi.org/10.3390/rel14091119>
23. Diwan, P. (1957). The Hindu Marriage Act, 1955. *International & Comparative Law Quarterly*, 6(2), 263-272. <https://www.jstor.org/stable/755668>
24. Flatt, K. N. (2023). Secularization Theory's Differentiation Problem: Revisiting the Historical Relationship between Differentiation and Religion. *Religions*, 14(7), 828, 1-22. <https://doi.org/10.3390/rel14070828>
25. Gubernskaya, Z. (2010). Changing attitudes toward marriage and children in six countries. *Sociological Perspectives*, 53(2), 179-200. <http://dx.doi.org/10.1525/sop.2010.53.2.179>
26. Hagevi, M. (2012). Beyond church and state: Private religiosity and post-materialist political opinion among individuals in Sweden. *Journal of Church and State*, 54(4), 499-525. <http://dx.doi.org/10.1093/jcs/csr121>
27. Hosseinkhanzadeh, A. A., Yeganeh, T., & Mojallal, M. (2013). The relationship of the religious orientations and attitudes with self-control among students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84, 759-762. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.06.641>
28. Indelicato, A., & Martin, J. C. (2023). Attitudes towards religions: The impact of being out of the religious group. *Religions*, 14(10), 1-16. <https://doi.org/10.3390/rel14101218>
29. Inglehart, R & C. Welzel. (2005). *Modernization, Cultural Change and Democracy: The Human Development Sequence*. New York: Cambridge University Press
30. Inglehart, R. (1997). *Modernization and Post modernization: Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies*. Princeton, NJ: Princeton University Press
31. Kapinus, C. A., & Flowers, D. R. (2008). An examination of gender differences in attitudes toward divorce. *Journal of Divorce and Remarriage*, 49(3-4), 239-257. <https://doi.org/10.1080/10502550802222469>
32. Künkler, M., & Shankar, S. (2018). Introduction: A Secular Age beyond the West. A Secular Age beyond the West. *Religion, Law and the State in Asia, the Middle East and North Africa*, 1-32. <https://doi.org/10.1017/9781108278195>
33. Lesthaeghe, R. (2010). The unfolding story of the second demographic transition. *Population and development review*, 36(2), 211-251. <https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2010.00328.x>
34. Lev-Wiesel, R., & Al-Krenawi, A. (1999). Attitude towards marriage and marital quality: A comparison among Israeli Arabs differentiated by religion. *Family Relations*, 48, 51-56. <https://doi.org/10.2307/585682>
35. Menski, W. (2009). *Hindu law: Beyond tradition and modernity*. Oxford University Press.
36. Mohanty MS (2023). Relationship between Positive Attitude and Marital Separation: The US Evidence, *Medical Research Archives*, 11(7), 1-14. <https://doi.org/10.18103/mra.v11i7.2.4158>
37. Moniz, J. B. (2023). Secularization in Europe: Causes, Consequences, and Cultural Diversity. *Religions*, 14(3), 423, 1-11. <https://doi.org/10.3390/rel14030423>
38. Nash, D. (2019). Secularist history: Past perspectives and future prospects. *Secularism and Nonreligion*, 8(1), 1-9. <https://doi.org/10.5334/snr.113>
39. Olson, J. R., Marshall, J. P., Goddard, H. W., & Schramm, D. G. (2016).

- Variations in predictors of marital satisfaction across more religious and less religious regions of the United States. *Journal of family Issues*, 37(12), 1658-1677. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0192513X14560643>
40. Pew Research Center (2012). The Global Religious Landscape, Retrieved in July 2024 at: <https://www.pewresearch.org/religion/2012/12/18/global-religious-landscape-exec/>
 41. Porzor, P. & Ghorbani polkoe, H. (2023). The role of self-compassion, patience and optimism with an attitude towards Islamic sources in predicting the tendency of couples to divorce. *Journal of Family Relations Studies*, 3(10), 37-43. <https://doi.org/10.22098/jfrs.2023.12302.1103>
 42. Prabhū, P. (1963). Hindu Social Organization: A Study in Socio-psychological and Ideological Foundations. Popular Prakashan.
 43. Simmons, R. S. (2024). Divorce in Judaism, Retrieved in July 2024 at: <https://aish.com/103423494/>
 44. Sorokowski, P., Kowal, M., & Sorokowska, A. (2019). Religious affiliation and marital satisfaction: Commonalities among Christians, Muslims, and atheists. *Frontiers in psychology*, 10, 2798, 1-7. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.02798>
 45. Stevenson, B., & Wolfers, J. (2007). Marriage and divorce: Changes and their driving forces. *Journal of Economic Perspectives*, 21(2), 27-52. <https://www.aeaweb.org/articles?id=10.1257/jep.21.2.27>
 46. Stokes, C. E., & Ellison, C. G. (2010). Religion and attitudes toward divorce laws among US adults. *Journal of Family Issues*, 31(10), 1279-1304. <http://dx.doi.org/10.1177/0192513X10363887>
 47. Sullivan, K. T. (2001). Understanding the relationship between religiosity and marriage: an investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples. *Journal of family psychology*, 15(4), 610-626. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0893-3200.15.4.610>
 48. Taylor, C. (2007). *A secular age*. Harvard university press.
 49. Thornton, A. (1985). Changing attitudes toward separation and divorce: Causes and consequences. *American Journal of Sociology*, 90(4), 856-872. <https://doi.org/10.1086/228147>
 50. United Nations (2020). Crude divorce rate (OWID based on UN, OECD, Eurostat and other sources) – processed by Our World in Data. Accessible on 14 December 2024 at: <https://ourworldindata.org/marriages-and-divorces>
 51. Van de Kaa, D. J. (2001). Postmodern fertility preferences: From changing value orientation to new behavior. *Population and Development Review*, 27, 290-331. <https://www.jstor.org/stable/3115262>
 52. Vincent, P., & D'Mello, L. (2018). Changing trends of divorce in India: Issues & concerns. *International Journal of Management, Technology and Social Sciences*, 3(2), 151-157. <http://dx.doi.org/10.47992/IJMTS.2581.6012.0053>
 53. Weiss, S (2024). Divorce: The Halakhic Perspective, Retrieved in July 2024 at: <https://jwa.org/encyclopedia/article/divorce-halakhic-perspective#:~:text=A%20woman%20is%20divorced%20in,forced%20divorce%E2%80%9D>
 54. Werner, M. (2009). Divorce, in Hindu Law: Beyond Tradition and Modernity, chapter 11, Delhi , online edn, Oxford Academic, Retrieved in July 2024 at: <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780195699210.003.0011>.
 55. World Population Review (2024). Divorce Rates by Country 2024, retrieved in June 2024 at: <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/divorce-rates-by-country>